**اصول، جلسه 3: ۱8/۶/۱۳۹۹، استاد سید محمد جواد شبیری**

**اعوذ بالله من الشیطان الرجیم**

**بسم الله الرحمن الرحیم**

و به نستعین انه خیر ناصر و معین الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی سیدنا و نبینا محمد و آله الطاهرین

و اللعن علی اعدائهم اجمعین من الآن الی قیام یوم الدین

صحبت سر این بود که آیا لا ضرر همچنان که احکام وجودیه را نفی می‌کند، احکام وجودیه‌ای که ضرر را ایجاد کنند، احکام عدمیه‌ای را هم که منشاء ضرر هست آنها را مرتفع می‌کند. یعنی عدم الحکم اگر باعث ضرر بشود، لا ضرر اثبات حکم می‌کند.

مرحوم نایینی به تبع مرحوم شیخ انصاری، لا ضرر را به احکام وجودیه اختصاص می‌دهند. احکام عدمیه را می‌گویند شامل نمی‌شود.

یک اشکالی در کلام مرحوم آقای داماد، مرحوم آقای صدر، آقای سیستانی مشترکاً وارد شده که جوهر اشکال در واقع یکی است با تقریبات یک مقداری متفاوت بحث را دنبال کردند. آقای داماد تعبیر می‌کنند که اینجا لا ضرر در آن نخوابیده که حکمی که ینشاء منه الضرر. لا ضرر می‌گوید ضرر نیست، مراد ضرری هست که شارع در تحقق این ضرر دخالت داشته باشد. حالا چه تحققش به نحو حکم وجودی باشد، حکم عدمی باشد، همة اینها را. یا به تعبیر آقای صدر اگر موقف شارع، موقف شرعی منشاء ضرر شده باشد، می‌خواهد بگوید این موقف شرعی تحقق ندارد. حالا این موقف می‌تواند وجودی باشد، می‌تواند عدمی باشد. آقای سیستانی هم چیزی شبیه همین را در مجموعة فرمایشاتشان دارند، با یک تفاوت‌های تعبیری. اینجا یک ابهامی اساساً در کلمات این آقایان هست، این حکم وجودی که ما در نظر می‌گیریم مراد چی است؟ آیا مثلاً جواز، ترخیص، این یک حکم وجودی تلقی می‌شود یا نه؟ آقای داماد از بحثی که شروع می‌کنند، اولین مثالی که برای احکام وجودیه می‌زنند می‌گویند لا شک که لا ضرر حاکم هست بر احکام وجودیه مثل جواز اضرار به غیر. اولین مثالی که می‌زنند جواز اضرار به غیر را مثال می‌زنند. ولی مرحوم آقای تصریح می‌کنند که این ترخیص و اینها اصلاً حکم نیست، یعنی حکم عدمی این را تلقی می‌کنند و می‌گویند اگر حکم وجودی باشد به درد نمی‌خورد و یک بحث مفصلی را اینجا در فرمایشات آقای صدر هست که کأنّ ترخیص به وسیلة لا ضرر مرتفع نمی‌شود. اصلاً این را به عنوان یک تهافتی در کلام مدرسة مرحوم نایینی ذکر می‌کنند که آقای خویی هم از آن کأنّ، در آن مدرسه هستند که چطور شده مرحوم آقای خویی برای حرمت اضرار این‌که جواز اضرار چون ضرری هست از آن بخواهیم حرمت اضرار استفاده کنیم این را مبتنی بر این بحث دانستند و یک نوع تهافتی در کلام مرحوم آقای به تعبیر ایشان مدرسة مرحوم آقای نایینی در این بحث قائل شدند.

آقای سیستانی اینجا تعبیراتشان مختلف است. دو تا تعبیر از بعضی تعبیرات استفاده می‌شود کأنّ ترخیص را وجودی گرفتند، از بعضی تعبیرات استفاده می‌شود که ترخیص را داخل در این بحث قرار دادند. ایشان اوّل همان بحثی که مطرح می‌کنند که این اختصاص ندارد به احکام وجودیه و احکام مجعولة در شریعت، این تقریب مرحوم نایینی را که ذکر می‌کنند که عدم حکم، حکم مجعول نیست، بنابراین لا ضرر شامل نمی‌شود، ایشان تعبیر دارند

«و الجواب عن ذلك: إن ما ذكر من نظر الحديث إلى الأحكام المجعولة في الشريعة محل منع لان مفاد الحديث هو عدم التسبيب إلى تحمل الضرر أي نفي وجود ضرر منتسب إلى الشارع المقدس بما هو‌ مشرع و مقنن و هذا المعنى كما يصدق في موارد جعل الحكم الذي يلزم منه الضرر سواء كان وضعيا أو تكليفيا، و سواء كان إلزاميا أو غير إلزامي كالترخيص في الدخول لمن له حق الاستطراق بغير استئذان على نحو يوجب ذهاب حق التعيش الحر بالنسبة إلى صاحب الدار، كما في قضية سمرة بن جندب فكذلك يصدق في حالة عدم جعل الحكم أحيانا فيعد نفس عدم جعل الحكم ممن بيده التشريع تسبيبا منه إلى الضرر.»

این ترخیص را داخل در آن موارد جعل حکم قرار داده و ایشان تصریح می‌کند که این حکمی که اینجا مورد بحث هست اعم از حکم الزامی هست و حکم غیر الزامی، هر دویش را شامل می‌شود. اینجوری تعبیر کردند. ولی بعد یک تعبیر دیگری در یک بحث دیگر دارند. ایشان یک بحثی مطرح می‌کنند. می‌گویند که مرحوم نایینی دو تا اشکال در ما نحن فیه دارد. یک اشکال این هست که کبرویا این مطلب درست نیست که لا ضرر احکام عدمیه را شامل بشود و آنها را نفی بکند، بر احکام عدمیه حکومت داشته باشد. نکتة دوم این‌که این مصداق ندارد. نتیجة این کبری این مصداق ندارد کأنّ ثمره ندارد.

آقای سیستانی اینجا یک مطلبی را اشاره می‌کنند. می‌گویند حالا مصداق نداشتن، حالا بحثی اینجا مصداق ندارد، ولی حالا فرض کنید که مصداق هم نداشته باشد، به این معنا که به وسیلة لا ضرر ما نتوانیم یک حکم اثباتی را اثبات کنیم، ثبوت حکم را از لا ضرر نتیجه بگیریم، اینجور نیست که بی‌فایده باشد. وجود کبری نتیجه‌بخش هست و ثمره دارد. اینجا که بحث می‌خواهند مطرح کنند، می‌گویند که در بعضی موارد همین کبری با وجودی که نمی‌تواند اثبات حکم کند از جهتی ثمره دارد. چطور؟ ایشان می‌فرمایند که اگر جایی تصرّف مالک در ملک خودش باعث بشود که دیگری متضرر بشود، همسایه مثلاً متضرر بشود. از طرف دیگر اگر بخواهد تصرف نکند در ملک خودش، این هم خودش متضرر شده. اینجا کأنّ ما دو تا حکم داریم که هر دو حکم ضرری هست. یک حکم حرمت اضرار به غیر هست، این حرمت اضرار به غیر باعث می‌شود که مالک ضرر ببیند. یک حکم جواز تصرف در ملک است. این جواز تصرف در ملک باعث می‌شود که همسایه ضرر ببیند. ما اگر گفتیم لا ضرر بر هر دوی این حکم‌ها حکومت دارد، نتیجه‌اش چی می‌شود؟ لا ضرر هم حرمت اضرار به غیر باید بردارد، هم جواز تصرف در ملک را باید بردارد. این‌که نمی‌شود هر دو را بردارد، این دو تا با همدیگر تعارض می‌کنند. تعارض که کردند ما می‌رویم به سایر ادله‌ای که حرمت اضرار به غیر را اثبات می‌کند. لا ضرر هم خودش از ادلة حرمت اضرار به غیر هست ولی ادلة دیگری که حرمت اضرار به غیر را مستقیماً ثابت می‌کند به آنها تمسک می‌کنیم و می‌گوییم نباید چیز کند. ولی آن صورت اوّل کأنّ تعارض ضررین هست و داخل در آن بحث کبرای. می‌گویند تعارض می‌کند. این بیانی که اینجا ایشان دارند معنای این بیان این هست که این بحث ما، جواز تصرف در مال غیر را یک امر عدمی گرفتند. گفتند اگر ما گفتیم ادلة لا ضرر اختصاص دارد به احکام وجودیه، می‌گوید فقط بر حرمت تصرف در غیر حکومت دارد و جواز تصرف در ملک، پس او حکومت ندارد. ایشان می‌گوید اگر ما قائل باشیم به این‌که لا ضرر هم حکم وجودی را می‌گیرد، هم حکم عدمی را می‌گیرد، اینجا لا ضرر هم نسبت به حرمت اضرار به غیر حکومت دارد، هم نسبت به جواز تصرف در ملک که لازمه‌اش تضرر غیر هست، به هر دو حکومت دارد. نسبت به هر دویش که حکومت داشت تعارض می‌کند. ولی اگر ما گفتیم که لا ضرر اختصاص دارد به احکام وجودیه. بنابراین فقط حکومت دارد بر حرمت اضرار به غیر. نسبت به جواز تصرف در ملک دیگر حکومت ندارد. وقتی حکومت نداشت دیگر به آن بحث‌هایی که اینها با همدیگر تعارض کنند و تهافت کنند و بعد به ادلة دیگر حرمت اضرار به غیر تمسک بکنیم، به آنجا، نوبت به آن بحث‌ها نمی‌رسد. اینجوری تعبیر کردند. حالا آقای صدر یک بحث‌های دیگری اینجا وارد شده که اصلاً کأنّ ترخیص عدم الحکم است. اوّلاً ترخیص را عدم الحکم گرفته. یعنی عدم التحریم، کأنّ یک حکم وجودی نیست. روح ترخیص را عدم الحکم گرفته و می‌گوید این هم منافاتی با ادله‌ای که ما من واقعة الا و له حکم را هم ندارد، آن ادله‌ای که می‌گوید واقع حکم دارد، یعنی شارع باید نسبت به این حادثه موقفی داشته باشد. حالا چه موقف وجودی، چه موقف عدمی و امثال اینها. اینجوری تعبیر می‌کند. بعد از آن میگوید حالا هم ترخیص را حکم هم بدانیم، نفی الترخیص کأنّ ملازم با حرمت است. اگر هم ما قائل به این بشویم که احکامی باید اینجا وجود داشته باشد. اگر این را بپذیریم که ما من واقعة و لها حکم، نفی الترخیص لازمه‌اش تحریم هست، آیا می‌شود این را اثبات کرد، در این بحث‌ها و این صحبت‌ها شده‌اند، این را مفروق عنه گرفتند که اگر بخواهد لا ضرر نسبت به ترخیص حکومت داشته باشد، داخل در این بحث احکام عدمیه است. این ابهام در کلمات آقایان هست.

تقریبی که مرحوم آقای اراکی نقل فرموده بودند از مرحوم حاج شیخ، این تقریب به گونه‌ای تقریب را بیان کردند که این بحث را به یک معنا حل می‌کنیم. اگر کسی این تقریب را بپذیرد، خیلی این‌که ترخیص حکم هست یا حکم نیست دخالت ندارد. تصریح هم کردند، عبارت را دیروز خواندم که ایشان می‌فرمایند که لا ضرر نسبت به ترخیص حکومت ندارد. نه به جهت این‌که ترخیص حکم نیست، حکم وجودی هست، حکم وجودی نیست و امثال اینها. نکته‌اش نکتة دیگری بود. ایشان فرموده بودند که اگر لا ضرر را ما بگوییم مراد این هست ضرری که ناشی از شارع هست، نه ضرر شارع را می‌خواهد نفی کند. ظاهر ضرر شارع این هست که، ضرری که شارع مقتضی تحققش است. اما ضرری که شارع مقتضی تحققش نیست آن کأنّ این دلیل آن را نمی‌گیرد. حالا البته شاید تعبیر ظاهر هم نداشته باشد، الآن عین تعبیرش یادم نیست، ولی می‌خواهم بگویم تعبیر ضرر شارع یعنی ضرری که مقتضی‌اش شارع باشد. مجرد این‌که شارع می‌تواند در تحقق این ضرر دخالت داشته باشد، وجوداً یا عدماً باعث نمی‌شود بگوییم این ضرر شارع است. ضرر شارع مفادش این هست که ضرری که شارع او را ایجاد کرده باشد، از شارع متولد شده باشد. مقتضی‌اش آن باشد. جایی که شارع ترخیص می‌دهد، این ترخیص خودش داعی ایجاد نمی‌کند. افراد به خاطر دواعی نفسانیه‌ای که خودشان دارند، بخواهد کاری انجام بدهد، حالا می‌خواهد به دیگری ضرر بزند، انگیزة ضرر زدن دارد، یا این‌که نه خودش می‌خواهد در خانه‌اش زندگی کند، انگیزه‌اش برای این کارش ضرر به غیر نیست، ولی ضرر به غیر مانع از انجام کارش است. این‌که کاری که من دارم انجام می‌دهم باعث متضرر شدن دیگری می‌شود این باعث نمی‌شود که دست از کارش بردارد. اینجا شارع مقدس اگر تحریم بکند، تحریم باعث می‌شود جلوی آن ضرر را بگیرد. ولی وقتی ترخیص می‌دهد، ترخیص از باب عدم المانع است. عدم المانع جزئی از اجزای علت هست، ولی ما نمی‌توانیم بگوییم این ضرر را شارع ایجاد کرده. شارع می‌توانسته است جلوی تحقق ضرر را بگیرد ولی جلوی تحقق ضرر را نگرفته. ترخیص معنایش این است که شما مجاز هستید انجام بدهید، مجاز هستید انجام ندهید. شارع نگفته که حتماً انجام بدهید. شارع گفته می‌توانید انجام بدهید، می‌توانید انجام ندهید. بنابراین آن چیزی که محرک عبد برای انجام عمل هست، ترخیص شارع نمی‌تواند باشد. ترخیص شارع نسبتش به وجود و عدم یکسان هست.

اگر این تقریب باشد، ما تقریب برای اختصاص به احکام وجودیه این را بگیریم دیگر بحث‌های دیگری هم که آقایان دارند که حکم ذکر نشده، امثال آنها، همة آنها کنار می‌رود. یعنی این تقریب اگر کسی این تقریب را بپذیرد، این تقریب این هست که کأنّ چیزی که شارع در ایجادش دخالت به نحو مقتضی داشته باشد و دیگر مدل بحث فرق می‌کند. آن وقت بحث را باید به این نحو مطرح کرد که آیا واقعاً دلیل ظهور در این معنایی که مرحوم حاج شیخ برای تقریب آن بیان کرده دارد یا ظهور در این معنا ندارد. آقای حاج شیخ می‌فرمودند که دلیل ظهور در این معنا ندارد، بلکه ظاهرش این هست که شارع مقدس می‌خواهد کاری کند که ضرر در عالم خارج تحقق نداشته باشد. سد باب عدم ضرر را می‌کند. باب وجود ضرر را سد می‌کند. ابواب وجودیة عدم را سد می‌کند که بعد فرمودند که برای سد باب ضرر را می‌کند. برای سد باب ضرر باید اوّلاً تحریم مولوی باشد، و آن سه شکلی را که بیان کردند و از یک طرف تحریم باشد، به صورتی که فرمودند. اینجا یک نکته‌ای را عرض بکنم. آقای سیستانی هم شبیه همین بیان آقای حاج شیخ را در تفسیر حدیث لا ضرر دارند. ولی ایشان لا ضرر را دو قطعه کردند. یعنی دو فقره را مورد بحث قرار دادند. یکی لا ضرر، یک لا ضرار. به این بیاناتی که آقای حاج شیخ دارند، این بیانات را در لا ضرار دارند. مبنای آقای سیستانی این هست که لا ضرر به معنای این هست که شارع تسبیب به ضرر نمی‌کند و در لا ضرار مبنایشان این هست که شارع مقدس تسبیب به عدم می‌کند. کاری می‌کند که ضرر ایجاد نشود. لا ضرر نفی تسبیب شارع به تحقق ضرر است، لا ضرار تسبیب به عدم اضرار است. لا ضرر یک جنبة عدمی دارد، عدم التسبیب است، لا ضرار تسبیب العدم است. تسبیب العدم هم که در بحث لا ضرار هست ایشان اشاره می‌کنند که این تسبیب العدم از آن چند چیز استفاده می‌شود. ایشان می‌گوید تسبیب به عدم تحقق ضرر از آن سه چیز استفاده می‌شود. یک جعل حکم تکلیفی که زاجر از عمل هست که این حرمت هست. که خود این حکم تکلیفی از آن عذاب اخروی استفاده می‌شود. عقوبت دنیوی استفاده می‌شود و ضمان در موارد اتلاف استفاده می‌شود. این سه تا از فروع همین جعل حکم تکلیفی است. و یک نکتة دیگری که وسائلی که مانع از تحقق خارجی ضرر هست از آن استفاده می‌شود اینها را شارع تشریع کرده.

الامر الثانی تشریع اتخاذ وسائل مانعة تحققه خارجاً. مثل این‌که اجازه داده می‌شود که آن وسیلة ضرر را از بین ببرند. امر دوم، امر بحث می‌کنند.

امر سوم هم تشریع احکام رافعة لموضوع الاضرار من قبیل جعل حق الشفعۀ که بحث شرکت است و امثال اینها.

ایشان یک معنای خیلی وسیعی از لا ضرار استفاده می‌کند که به این وسعت کلام آقای حاج شیخ نیامده، مقداری آن به خصوص آن قسم آخرش را تشریع احکام واقعة لموضوع اضرار آن را اصلاً در کلام آقای حاج شیخ نیست. یک مقداری محدودتر هست، ولی آن را در مورد ضرر مطلب را مطرح کرده. آقای سیستانی خیلی وسیع مطرح کرده. اینجا این بحث ایشان روی مبنای خودشان نخواسته آقای سیستانی مشی کند. بحث احکام عدمیه را که مطرح می‌کنند، از همان فقرة لا ضرر می‌خواهند نتیجه بگیرند. ایشان می‌فرمایند که لا ضرار معنایش این هست که شارع تسبیب به ضرر نمی‌کند. و تسبیب به ضرر را هم یک معنای عامی گرفتند. تسبیب به ضرر گاهی اوقات این هست که مقتضی ضرر را ایجاد کنند، تسبیب به ضرر گاهی اوقات هست که در قبال آن مقتضی موجود مانع ایجاد کنند. عدم ایجاد مانع هم خودشان نحو من التسبیب است. اینجا هر دو با لا ضرر می‌خواهند نفی کنند. یعنی لا ضرر اقتضا استفاده می‌شود که شارع مقدس مقتضی ضرر را ایجاد نکرده، از آن طرف عدم المانع را هم ایجاد نکرده، یعنی مانع ایجاد کرده. یعنی به یک معنا بعضی از آن محتواهایی که از لا ضرار ایشان نتیجه گرفتند، از لا ضرر هم همین نتیجه را به یک معنا گرفته‌اند. علتی که روی این می‌خواهند تکیه کنند شاید روی این جهت است که نمی‌خواهند بحث را اختصاص بدهند به مبنای خودشان که تفکیک بین لا ضرر و لا ضرار هست. چون روی تفکیک بین این دو جهت نمی‌خواهند بحث کنند. از خود لا ضرر می‌خواهند شمول حکم نسبت به احکام عدمیه و حکومت لا ضرر را بر احکام عدمیه استفاده کنند.

توضیحی در مورد کلمات این بزرگان.

بنابر این یک نکته‌ای می‌خواهم اینجا عرض بکنم، ببینیم آیا واقعاً این معنای گسترده‌ای که مرحوم آقای حاج شیخ قائل شده‌اند و از آن گسترده‌تر آقای سیستانی در مورد لا ضرر قائل شدند آیا از این دلیل ما یک ظهور در همچین معنایی را دارد یا نه، چنین ظهوری ندارد. یک موقعی آقای سیستانی که بحثش، حالا من وارد بحث‌ها و استدلالات آقای سیستانی نمی‌خواهم بشوم، ولی کلیت قضیه را عرض بکنم، ایشان این معنای عام را به خاطر این‌که ضرر یا ضرار واژة خاص ضرار واقع شده نگفتند. بلکه یک معنایی هست از این هیئت ترکیبیه با توجه به این‌که ضرار فعل هست، مصدر است نه اسم مصدر و معنای حدوثی دارد، آن استفاده کردند، حالا با توضیحاتی که خودشان در لا ضررشان وارد شده. اگر معنای لا ضرار این معنای گسترده باشد، یا معنای لا ضرر که مرحوم حاج شیخ می‌فرماید این معنای گسترده باشد، علی القاعده باید تعبیرات مشابهی که ما داریم از آن هم این معنای گسترده استفاده بشود. «فلا رفث و لا فسوق و لا جدال فی الحج» این تعبیری که داریم آیا از آن استفاده می‌شود که شارع مقدس در مورد رفث و فسوق و جدال اوّلاً غیر از حرمت تکلیفی. حرمت تکلیفی که استفاده می‌شود. بیشتر از حرمت تکلیفیه از آن استفاده می‌شود کفاره هم دارد؟ از این استفاده می‌شود شارع مقدس کفاره‌ای در مورد رفث، خود همین دلیل لا رفث، دلیل بر ثبوت کفاره است؟ این یک. حالا کفاره، چه کفاره‌ای است؟ کفاره مراتبی دارد. از حداقل کفاره تا حداکثر کفاره می‌تواند باشد. دلیل بر ثبوت فی الجمله کفاره است، ثبوت یک کفاره خاص است. در مورد خود لا ضرر هم. لا ضرر هم شما می‌گویید که مثلاً شارع مقدس اینجا عقوبت جعل می‌کند. عقوبتی که جعل می‌کند به چه نحو عقوبتی هست؟ چه شکلی است؟ مجازاتش زندان است؟ مجازاتش شلاق است؟ مجازاتش چی است؟ آیا خود همین لا ضرار تعیین کنندة نحوة آن چیزها هست. این‌که شما بیان می‌فرمایید که لا ضرار این معنای گسترده از آن استفاده می‌شود، آیا این معنای گسترده با تمام خصوصیات و ریزه‌کاری‌ها و اینها استفاده می‌شود؟ یک مقداری مطلب باید واضح‌تر بشود که اگر دلیل خاصی نداشته باشیم که تعیین کنند که آن مجازات دنیوی مخالفت تحریم اضرار چی است، ما از خود همین می‌توانستیم آن مجازات را تعیین کنیم؟ نه اینها فوقش حالا در «فلا رفث و لا فسوق و لا جدال فی الحج» آن اصلا هیچگونه، یک نکتة دیگری آقای سیستانی علاوه بر آن می‌گویند استفاده می‌شود که آن وسیلة ضرر را هم اجازه می‌دهند که اینجا ازاله کنیم. حالا جدال در حج ممنوع است، وسیلة جدال چی است؟ زبان است. اینجا مثلاً از آن استفاده می‌شود که زبان را می‌شود ازاله کرد. اینطوری نیست، اینها اصلاً ناظر به یک همچین مفهوم گسترده‌ای نیست. اینقدر مفهومش گسترده باشد. حالا ما قبلاً عرض کردیم که وفاقاً لمرحوم شیخ الشریعة گفتند بیش از تحریم، حالا با یک معنای گسترده‌ای که قبلاً بحثش را کردیم از این لا ضرر و لا ضرار استفاده نمی‌شود. اینجا بیشتر از تحریم اضرار، به یک معنای یک مقداری وسیع‌تری که قبلاً توضیح دادیم، این را ذکر کردیم. ولی حالا اگر در آن حد محدود هم نگوییم، این‌که بخواهیم از این استفاده کنیم تمام اتخاذ وسائل اجراییه برای منع از تحقق ضرر. اصلاً شارع کاری می‌کند که ضرر موضوع نداشته باشد، حق شفعه و امثال اینها را اینجا می‌خواهد جعل کند.

شاگرد: احاله ؟؟؟ ۳۴:۵۱ به یک امر مضطر مانع می‌شود؟

استاد: نه، می‌خواهم بگویم قطعاً اینجور نیست. آیا ما در لا رفث، بحث سر این است که آیا درک عرفی در «فلا رفث و لا فسوق و لا جدال فی الحج» یک همچین معنای عامی است؟ می‌گویید شما در آنجا استفاده نمی‌شود، در لا ضرر و لا ضرار استفاده می‌شود، فارق چی است؟

شاگرد: مثلاً عقلا اگر بخواهند ضرر بزنند، ؟؟؟ عامل ضرر را می‌خواهد، حقی ندارند، یک وقت هست من جمله جلوگیری از ضرر هست، ولو با این‌که طرف ضرر می‌کند.

استاد: خود همین لا ضرار این را دال هست؟ نه خود لا ضرار دال بر این معنا هست، دو حالت. لا ضرار دارد این معنا را افاده می‌کند. نه مقتضی چی است؟ لا ضرار می‌خواهد بگوید شما به هر وسیله‌ای می‌توانید چیز کنید؟ چرا لا رفث نیست؟ اصلاً خود این می‌خواهد. «فلا رفث و لا فسوق و لا جدال فی الحج» عقلایی هم نباشد، یک چیز شرعی می‌خواهد ایجاد کند. «فلا رفث و لا فسوق و لا جدال فی الحج» یک حکم شرعی دارد ایجاد کند. بحث از آن معنای گسترده‌اش حتی نمی‌خواهم بگویم. حتی از «فلا رفث و لا فسوق و لا جدال فی الحج» کفاره دارد می‌شود استفاده کرد؟ نمی‌شود، هیچ کس هم به «فلا رفث و لا فسوق و لا جدال فی الحج» برای اثبات کفاره تمسک نمی‌کند. همین است. معنای حرف این است که این واژه‌ها، خود اینها دال بر مطلب نیستند. بله، یک مطلب دیگر این هست، آن این است که یک مبغوضی که تحقق پیدا می‌کند، این مبغوض حالا یک نکته‌ای را من عرض می‌کنم، فردا توضیح می‌دهم. ممکن است شخصی برای استفادة معنای عام از تطبیقات خود لا ضرر و لا ضرار در روایات نتیجة یک نوع تعمیم بگیرد. در کلام مرحوم نایینی هم به این معنا وارد شده. می‌گوییم خودش ذاتاً دلالت بر این معنا نمی‌کند، ولی از تطبیقاتش یک معنای عام‌تری ما می‌توانیم استفاده کنیم. حالا آن را ان‌شاءالله فردا در موردش توضیح می‌دهم.

و صلی الله علی سیدنا و نبینا محمد و آل محمد

پایان